

بیانیه گردهمایی سراسری سوم جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لا ئیک ایران

بیانیه سیاسی

20-21 سپتامبر 2008 30-31 شهریور 1387

سومین گردهمایی سراسری جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران که در روزهای 20 و 21 سپتامبر 2008 (30 و 31 شهریور 1387) در شهر بروکسل برگزار گردید در راستا و تداوم سند سیاسی مصوب نخستین گردهمایی سراسری پاریس، 3 تا 5 سپتامبر 2004 برابر 13 تا 15 شهریور 1383، و قطعنامه سیاسی مصوب دومین گردهمایی سراسری در هانور، 24 تا 26 فوریه 2006 برابر 5 تا 7 اسفند 1385، اعلام میدارد :

1- رژیم جمهوری اسلامی ایران اصلاح ناپذیر است. نظام خودکامه دینی حاکم بر ایران در ذات خود و از بنیاد تمامیت خواه، انحصارجو و تبعیض گر است. اختناق و سرکوب، زبان طبیعی و ابزار اصلی دوام حیات او در صحنه سیاسی است.

هرگونه تحول بنیادین به سوی آزادی و عدالت در کشور ما در گرو برجیده شدن تمامیت نظام جمهوری اسلامی است. اساس و جوهر این تحول، گذار به دموکراسی و نیروی اصلی آن جنبش های مقاومت مردم و نافرمانی مدنی است

رژیم سیاسی مطلوب ما جمهوری است. ما در راه برقراری آن، که به باور ما مناسب ترین نظام برای تحقق دموکراسی است، تلاش و مبارزه میکنیم. نظامی برآمده از رأی آزاد و همگانی شهروندان و متجلی در مجلس منتخب مردم. ما خواهان جدائی دین و مسلک (ایده ئولوژی) از دولت و قدرت سیاسی، برقراری عدالت اجتماعی و آزادیهای بنیادین، رعایت حقوق بشر و پاسداری از استقلال و یکپارچگی کشور هستیم.

نوع نظام آینده و قانون اساسی آنرا مجلس موسسان منتخب همه مردم تعیین کرده، در شرایط آزادی کامل به همه پرسی خواهد گذاشت

2- در پی دلسردی و یاس مردم از عملکرد هشت ساله اصلاح طلبان و به مدد بسیج پادگانی بدنه نظامی رژیم و ترفندهای شورای نگهبان در رأی گیری و

رأی سازی انتخابات دوره نهم، احمدی نژاد به مقام ریاست جمهوری اسلامی دست یافت. اصلاح طلبان که پیش از آن بر متن یک جنبش فراگیر اجتماعی علیه اختناق و انحصارطلبی به قدرت رسیده بودند، نتوانستند به نیازها و انتظارات مردم و وعده های خود جامه عمل بپوشند. همه جا در برابر احکام ولی فقیه و تجاوز به آزادیها و حقوق اساسی مردم واپس نشستند و در لحظات حساس مصالح نظام را به منافع ملّت ترجیح دادند.

3- دولت و مجلس اسلامی جدید با حضور چشمگیر و بیسابقه عناصر نظامی و امنیتی، نمودار دیگری از تحولی تازه در رژیم ولایت فقیه و وزن و نقش فزاینده نظامیان در عرصه سیاست و تصمیم گیریهای کلان آینده است. دولت نهم با چنین ترکیبی از آغاز زمامداری، دشمنی خود را با دست آوردها و نمادهای جامعه مدنی آشکار کرد و به برجیدن و سرکوبی آنها پرداخت؛ خشونت و ارباب و اتهام و زندان را به حربه اصلی خویش برای فرو نشاندن خواستههای صنفی، فرهنگی و اجتماعی کارگران، آموزگاران و حقوق بگیران، زنان، جوانان، دانشجویان، اهل قلم و کوشندگان پیشبرد آزادی و حقوق بشر بدل کرد و با تحمیل قهرآمیز ظواهر شرعی به هنجارها و عرصه های زندگی اجتماعی مردم، بیهوده تلاش کرده و می کند تا شکست ایدئولوژیک نزدیک به سی سال حکومت یکه تاز مذهبی را که به عیان در چهره نسل برآمده از انقلاب، در مقاومت زنان و جوانان و در جوشش های فرهنگی می بیند بپوشاند و جبران کند.

4- آزادی، وحشت بزرگ نسل تازه دینمداران به قدرت رسیده است. با وجود خشونت و قهر گسترده و فزاینده کارگزاران دولت کنونی در برابر جنبشهای شهروندی، شاهد رشد و بلوغ مقاومت مدنی هستیم.

زنان که مظهر تبعیض جنسی در عمق اندیشه و ذهنیت تاریک اندیشان مذهبی هستند و در همه عرصه های زندگی اجتماعی، خانوادگی و خصوصی از رفتارها، سنت ها و قوانین ننگین و تبعیض آمیز در رنجند، عمق فاجعه استبداد اسلامی را بر ملا میکنند. آنان در این سالها با خلاقیت تحسین انگیزی در برابر فشارها و تبعیض های روزافزون حکومت مذهبی مقاومت کرده اند. کارزار "مقاومت مدنی" از جمله نمونه های بارز این کوشش جمعی و مشترک است که با تشخیص هوشیارانه نیازها و ضرورت های کنونی و ابداع روشهای نو در بسیج و سازماندهی ظرفیت ها توانست به جنبشی فراگیر بدل شود.

جنبش دانشجویی با وجود فراز و نشیب های درونی گاه دشوار، همواره در این سالها سنگر مقاومتی بوده است در برابر استبداد دینی و سلطه جوئی انحصارطلبان. گرچه خصومت حکومت اسلامی با دانشگاه و دانشگاهیان پیشینه ای به قدمت جمهوری اسلامی دارد، اما سرکوب و فشار و آزار مداوم در این

دوره نسبت به دانشجویان و استادان ابعادی تازه یافته است. از ویژگی های جنبش دانشجویی در این دوره شکلگیری هویت های مستقل و اعلام علنی گرایشهای سیاسی نوین پاره ای از تشکلهای دانشجویی است؛ دریچه های تازه ای که میتواند باب گفت و شنودهای سازنده ای در میان نسل جوان و آگاه امروز ایران بگشاید.

دولت احمدی نژاد که با شعار فریبنده عدالت خواهی به میدان رقابتهای انتخاباتی آمده بود، سخت ترین برخوردها و رفتارها را نسبت به کارگران و در خواستهای برحق آنان در پیش گرفت. کارگران که زیر بار تورم و گرانی روزافزون به جان آمده اند، خواهان رفع ناامنی شغلی، پرداخت به موقع حقوق و دستمزد خویش، تشکیل سندیکاهای مستقل و تغییر قوانین ناعادلانه کار هستند.

مبارزه برحق اقوام تحت ستم ایرانی برای رفع تبعیض ها و نابرابری ها و در راه احراز حقوق دموکراتیک، آزادی های فرهنگی و توزیع عادلانه ثروت های ملی همه جا با یورش بیرحمانه نظامیان و ماموران امنیتی رژیم روبرو بوده است. ایران سرزمین تاریخی و مشترک اقوام گوناگون است. همه ایرانیان باید بتوانند از آزادی کامل در راه پاسداری و شکوفائی فرهنگ و زبان مادری خود بهره مند باشند و از حق تصمیم گیری و مشارکت در اداره امور محلی و منطقه ای برخوردار گردند. گرچه سیاست نظامیگری و سرکوب ها نتوانسته از تداوم این مبارزات جلوگیری کند ولی زمینه ای برای رشد گرایشهای افراطی قومی پدید آورده است. تمایلات افراطی که از سوی کارگزاران برخی دولت های همجوار و پاره ای قدرت های جهانی نیز به آنها دامن زده میشود، مبارزه متحد مردم برای دموکراسی و آزادی را به بیراهه میکشاند و میتواند در آینده یکپارچگی کشور را به مخاطره اندازد. به باور ما حفظ یکپارچگی ایران در نظامی دموکراتیک در گرو رفع ستم قومی است.

جمهوری اسلامی هیچگاه برآستی حضور و وجود ادیان و مذاهب دیگر را تاب نیاورده است. حتی اهل کتاب و سُنّیان و فرقه های درون اسلام و اهل تصوف نیز از بدرفتاری ها و خشونت های دستگاه دینی حاکم در امان نبوده اند. دشمنی دیرین روحانیت شیعه و مسلمانان متعصب با بهائیان بار دیگر زندگی و جان شماری از آنان را به مخاطره انداخته است.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک خود را یار و همراه جنبش های مقاومت و اعتراض مدنی و برابری خواهی در درون کشور میدانند.

5- اقتصاد نابسامان ایران بیش از پیش وابسته به درآمد نفت و دچار تورمی

بیسابقه است. شمار مردمی که به طور روزمره گرفتار نا امنی شغلی، بیکاری و فقر هستند فزونی گرفته و شکاف میان فقر و ثروت ژرفتر از گذشته شده است. دولت نهم، با وجود درآمد سرشار و نامنتظره نفت، با پیش گرفتن سیاست های اقتصادی فاجعه بار، ظرفیت ها و ساختارهای تولیدی کشور را به محاق تعطیل و ویرانی کشانده است. با برچیدن سازمانها و ارگانهای نظارت بر اقتصاد، برداشت های بی حساب از ذخایر ارزی و تزریق آن به اقتصاد کشور به تورم و گرانی و واردات سیل آسای کالاهای مصرفی دامن زده و بازار دلالی و رباخواری را بیش از گذشته رونق بخشیده است.

شاهرگ های حیاتی و پرسود اقتصادی و منابع طبیعی کشور همچنان در دست شبکه های خویشاوندی سرکردگان حاکمیت، کارگزاران اطلاعاتی و سرداران سپاه پاسداران و بنیاد مستضعفان و موسسات پوششی و اقتصادی وابسته به آنان مانده است : سفره گشاده ای میان حلقه محارم و پنهان از چشم مردم.

6- جمهوری اسلامی در بیرون از مرزهای ایران تشنج آفرین، مداخله گر و جنگ افروز است. تلاش مخفیانه رژیم برای دستیابی به سلاح هسته ای و اصرار وی به غنی سازی اورانیوم، بحران وخیمی در روابط بین-المللی ایران پدید آورده و افزون بر گسترش تحریم های اقتصادی، کشور را به لبه پرتگاه یک تهاجم نظامی کشانده است که پیامدهای آن میتواند برای مردم ایران فاجعه بار باشد. دست یافتن چنین نظامی به سلاح هسته ای مخاطرات عظیم و هولناک در پی خواهد داشت و از جمله به مسابقه تسلیح اتمی در منطقه می انجامد. گسترش سلاحهای هسته ای تهدیدی دائمی برای صلح جهان خواهد بود. ما برای تحکیم صلح و جهانی عاری از نظامیگری و به ویژه عاری از سلاحهای هسته ای مبارزه میکنیم. از همین رو از پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای و لزوم همکاری کامل ایران با آژانس بین المللی انرژی اتمی حمایت میکنیم و افزون بر آن خواهان خلع سلاح هسته ای کشورهای خاورمیانه هستیم. رژیم اسلامی از آغاز افشای فعالیت های پنهان اتمی و کشف اسناد گوناگون آن، افکار عمومی داخلی و جهانی را بر سر دو راهی سوخت هسته ای یا سلاح هسته ای به بازی گرفته است. تولید انرژی هسته ای در کشوری چون ایران که دارای ذخایر عظیم و غنی انرژی فسیلی و صاحب اقلیمی مساعد از بابت انرژی های جایگزین و باز تولیدشونده است به هیچ روی ضرورتی ندارد. ما خواستار توقف غنی سازی اورانیوم در ایران که از انگیزه های اصلی بحران کنونی است میباشیم و نیز با هرگونه تهاجم نظامی خارجی به کشور خود مخالف هستیم. با تحریم های گسترده اقتصادی که آثار زیانبار آن به زندگی و معیشت مردم لطمه میزند موافق نیستیم و فقط از آندسته از تحریم های تسلیحاتی و دیپلماتیک پشتیبانی میکنیم که از تصویب سازمان ملل بگذرند و سیاست های نظامیگرانه رژیم را هدف قرار دهند و از دستیابی آن به سلاح

هسته ای جلوگیری کنند، مانند: فروش ابزار و تجهیزات نظامی و انتقال فن آوری هسته ای، مسدود کردن حساب های سران رژیم در خارج. ما همچنین خواهان افزایش فشار سیاسی بر رژیم از جانب دولت‌ها به ویژه در زمینه رعایت همه جانبه حقوق بشر در ایران و تعقیب قضائی سران نظام و آمران و عاملان کشتار و جنایت در جمهوری اسلامی از جانب مجامع بین المللی صالح هستیم.

7- رژیم ولایت فقیه در ماههای آینده تدارک دور دیگری از بسیج توده ای و رأی سازی برای مشروعیت بخشیدن به خود در پیش دارد. هیچ نشانه تغییری در "نظام انتخاباتی" ویژه جمهوری اسلامی با شورای نگهبان و بدنه نظامی گوش به فرمانش به چشم نمیخورد.

8- خاورمیانه با جنگهای خانگی و حضور اشغالگران نظامی از کانونهای بحران و تنش جهان است. جمهوری اسلامی با یاری رساندن به تارک اندیش ترین و افراطی ترین گروه های اسلامی، با صدور اسلام سیاسی و یهودستیزی، از موانع صلح و از حامیان ترور و خشونت در منطقه میباشد. حل عادلانه مساله فلسطین ضامن صلح پایدار در خاورمیانه است. رعایت و اجرای قطعنامه ها و مصوبات سازمان ملل متحد و شورای امنیت در این زمینه گامی ضروری برای گشودن چشم انداز صلح است.

9- جهان فردا از آغاز دوران دیگری با کانونهای تصمیم گیری تازه و از برآمدن قدرتهای جدیدی خبر میدهد که آرایش کنونی ائتلافها و کشاکشهای اقتصادی و سیاسی را بهم خواهد ریخت. اما جهانی که اکنون در آن زندگی میکنیم با بحرانهای گوناگونی دست به گریبان است. گرسنگی، این بزرگترین و خاموشترین سلاح کشتار جمعی بدل به سرنوشت محتوم بخشی از ساکنان زمین شده است. گرسنگی نه تقدیر که محصول نظم موجود جهان است، نظمی که بر بیعدالتی، خشونت ساختاری و ویرانگری محیط زیست استوار است. ما خواستار جهانی عاری از فقر، خشونت و جنگ، بیعدالتی و تخریب و آلودگی محیط زیست هستیم.

10- کارنامه جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد را میتوان در سه محور اصلی خلاصه کرد: تشدید بحران در روابط بین المللی و انزوای ایران در صحنه جهانی، افزایش فقر و فشار اقتصادی بر مردم و شدت گرفتن سرکوب سیاسی و اجتماعی.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک برآنست که برای مقابله با سیاست های جمهوری اسلامی در هر سه زمینه و ایستادگی در برابر سیاست های جنگ طلبانه دولت بوش و نومحافظه کاران در آمریکا، که گاه نقشه تجزیه ایران را در سر

می‌پروورند، نیازمند سازماندهی کارزاری گسترده در دفاع از جنبش‌های اجتماعی و آزادی‌های سیاسی و مدنی در کشور، مبارزه برای تأمین عدالت اجتماعی و علیه سیاست‌های جنگ‌افروزانه از هر دو سو در راستای صلح و جلب حمایت بین‌المللی در دفاع از حقوق بشر در ایران هستیم. برپائی چنین کارزاری در گرو همیاری هر چه گسترده‌تر کلیه نیروهای طرفدار صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی و همبستگی عمیق‌تر جنبش‌های اعتراضی و مطالباتی مبارزان داخل و خارج کشور با یکدیگر است. به باور ما خواست‌گذار به دموکراسی در ایران نه با امید بستن به تحول نظام از درون و نه با چشم‌داشتن به حمله نظامی از بیرون، بلکه از راه این رویکرد سوم است که تحقق می‌یابد. ما برای هموار کردن این راه میکوشیم.